

A comparative study of the authority of “Khabar wahed” in interpretation, from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli and Ayatollah Maarefat

(Received: 21/08/2021 - Accepted: 22/11/2021)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.2.4>

Sayed Mohammad Naqib¹

Maryam Bahman²

Abstract

The authority of “Khabar wahed” in interpretation has always been discussed among scholars of Quranic sciences. Due to the concurrence of the commentators on the authenticity of the narrations of the individuals with definite evidence, there is a difference of opinion among the scholars about the narrations of the authoritative individuals. This article, with a descriptive-comparative method, seeks to answer the question of what is the view of Ayatollah Javadi Amoli and Ayatollah Maaref regarding the authority of using individual narrations in interpretation? Examining the sources, it was found that according to Ayatollah Javadi Amoli; In interpreting practical rulings, in addition to discontinuation, a special quote is also helpful; Therefore, the word of the infallible is valid even in the form of “Khabar wahed” and without conclusive evidence in practical and sub-issues, but in the field of doctrinal knowledge, suspicion is not valid and should be cut. In the view of Ayatollah Maarefat; The validity of the news of the unit of trust is not only for jurisprudence and religious rules, but also has general validity and has authority in the interpretation of the Qur’an and other cases.

Keywords: Authority of “Khabar wahed”, Javadi Amoli, Knowledge, Interpretation, Comparative.

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Qom, Iran. amin200057@yahoo.com.

2. Level 4, Comparative Interpretation, Al-Zahra Society, Qom, Iran, (Responsible author). bahmanm9840@gmail.com.



بررسی تطبیقی حجیت خبر واحد در تفسیر، از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2021.6.1.2.4>

سید محمد نقیب^۱

مریم بهمن^۲

چکیده

حجیت خبر واحد در تفسیر، همواره در میان دانشمندان علوم قرآنی مطرح بوده است. با توجه به هماهنگی نظر مفسران در مورد حجیت روایات آحاد محفوف به قرائن قطعی، اختلاف بین دانشمندان در مورد روایات آحاد معتبر ظنی جاری است. این نوشتار با روش توصیفی-تطبیقی، درصدد پاسخ به این سؤال است که دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت، در مورد حجیت استفاده از روایات آحاد در تفسیر چگونه است؟ با بررسی منابع، مشخص شد که طبق نظر آیت‌الله جوادی آملی؛ در تفسیر احکام عملی علاوه بر قطع و یقین، مظنه خاص هم رهگشاست؛ بنابراین کلام معصوم حتی به صورت خبر واحد و بدون قراین قطع‌آور در مسائل عملی و فرعی حجت است، اما در بخش معارف اعتقادی ظن و گمان اعتبار ندارد و باید به قطع دست‌یافت. در دیدگاه آیت‌الله معرفت؛ اعتبار خبر واحد ثقه، فقط مخصوص فقه و احکام شرعی نیست و اعتبار عام دارد و در تفسیر قرآن و سایر موارد حجیت دارد.

کلیدواژه‌ها: حجیت خبر واحد، جوادی آملی، معرفت، تفسیر، تطبیقی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

amin200057@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، جامعه الزهرا(س)، قم، ایران، (نویسنده مسؤول).

bahmanm9840@gmail.com

بیان مسأله

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید آخرین پیامبر الهی است. پیامبر اکرم اولین مفسر و مبین قرآن و بیانگر معارف و احکام دینی بوده و بخش قابل توجهی از احادیث نقل شده از پیامبر و ائمه (علیهم السلام) به فهم و تفسیر قرآن اختصاص یافته است. حجیت و اعتبار این احادیث از مباحث مهم و مورد توجه دانشمندان علم حدیث و تفسیر از زمان‌های قدیم بوده است. برخی از روایات رسیده از معصومان (علیهم السلام) متواتر و یا محفوظ به قرائن قطعی هستند. این گونه روایات از نظر همه دانشمندان در حوزه‌های مختلف دینی و از جمله تفسیر قرآن حجت هستند. همچنین سنت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) به معنای گفتار معصوم و یا کردار و تقریر ایشان امری مسلم و پذیرفته شده است (امامی، ۱۳۹۸: ۲۷۶-۲۵۱)؛ اما در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر و این که آیا خبر واحد غیر محفوظ به قرائن قطعی در تفسیر قرآن می‌تواند حاکی از گفتار معصوم باشد یا نه، در بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. پژوهش حاضر، برای بررسی تطبیقی حجیت خبر واحد در تفسیر، از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت طرح‌ریزی شده است.

پیشینه تحقیق

اصل بحث از حجیت خبر واحد، قدمتی هزارساله دارد و دانشمندان و مفسران در این زمینه نظرات مختلفی دارند. از جمله می‌توان به نظرات شیخ طوسی، آیت‌الله خوئی، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت در کتب تفسیری و قرآنی ایشان اشاره کرد. در مقاله «ارزیابی تطبیقی جایگاه و کارکرد خبر واحد تفسیری در مبانی آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله جوادی آملی» نوشته شاهرودی، به بررسی تطبیقی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به عنوان منکر حجیت خبر واحد در تفسیر و دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی به عنوان موافق حجیت خبر واحد در تفسیر پرداخته شده است (شاهرودی، ۱۳۹۸: ۸۴-۶۷). مقاله «حجیت روایات تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت» نوشته ناصح به تبیین نظریه آیت‌الله معرفت در باب حجیت و اعتبار خبر واحد در تفسیر پرداخته است (ناصر، ۱۳۸۷). از آنجاکه تاکنون دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت در زمینه حجیت خبر واحد در تفسیر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار نگرفته است، در این تحقیق، به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه این دو دانشمند معاصر پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش، مفاهیم حجّت، خبر، خبر واحد و تفسیر مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار می‌گیرد.

۱-۱. حجت

در لغت به معنی برهان و چیزی است که با آن خصم را پاسخ دهند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۲۸/۲). در معنای اصطلاحی به هر چیزی که «صلاحیت داشته باشد که با آن علیه خصم احتجاج و استدلال شود و در مقام محاجه باعث غلبه و پیروزی بر خصم شود» حجت اطلاق می‌شود. در علم اصول حجت دلیلی است که ثابت‌کننده متعلق خود باشد. اگرچه به درجه قطع و یقین نرسد، یعنی حکم فعلی را به‌عنوان حکم واقعی برای مکلف ثابت کند و حجیت و اعتبار آن از ناحیه شارع جعل شده باشد. در این بیان حجیت ذاتی نبوده و به جعل شارع ایجاد می‌شود (اصغری، ۱۳۸۶: ۱۷/۲ - ۱۶). از آنجاکه حجت از نظر شرع برای اثبات حکم شرعی کافی است، مکلف با عمل به آن معذور می‌باشد و حجت موجب منجزیت و معذرت است (امامی، ۱۳۹۸: ۲۷۶-۲۵۱).

۱-۲. خبر

گزارشی است که به شخص می‌رسد و او را از مطلبی آگاه می‌سازد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۲۹/۴).

۱-۳. واحد

اسم فاعل از «وحد» به معنای یک است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۳/۱).

۱-۴. خبر واحد

در مقابل خبر متواتر به کار می‌رود و شامل روایتی است که راویان آن به حد تواتر نرسیده باشد هرچند که بیش از یک شخص باشد (مازندرانی، بی‌تا: ۳۳۵). برخی خبر واحد را روایتی می‌دانند که به‌خودی‌خود مفید علم نباشد (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۸: ۲۳). وجه مشترک این تعاریف این است که خبر واحد روایتی است که فی‌نفسه یقین‌آور نیست بلکه افاده ظن می‌کند (حلی، ۱۴۰۶: ۲۱۰).

۱-۵. تفسیر

تفسیر مبالغه در «فسر» به معنای اظهار معنای معقول است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۶۳۶). در معنای اصطلاحی تفسیر به معنای «بیان نمودن معانی آیات قرآن و کشف از مقاصد و دلایل آن‌ها» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۱) و «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن با ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۳) آمده است.

۱-۶. حجیت خبر واحد

«حجیت خبر عادل به معنی صحت استناد به خبر واحد عادل به‌عنوان حجت شرعی در

مقام استدلال بر موضوعات و احکام شرعی است.» در بین علمای اسلامی، در این که بحث از حجیت خبر واحد، مسئله‌ی اصولی است و یا فقهی، اختلاف نظر وجود دارد، اما مشهور، آن را یک بحث اصولی می‌دانند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۹۳). حجیت در علم اصول، دارای آثاری مانند منجزیت، معذرت، تجری و انقیاد است که در حجیت قطع و عمل براساس آن موضوعیت دارد (فاضل مودعی لنگرانی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۵۴). در علم اصول این بحث مطرح می‌شود که آیا خبر واحد بدون قرینه قطعی حجت است یا نه زیرا خبر واحد همراه با قرینه قطعی در باب قطع واقع شده و حجت است، اما خبر واحدی که با قطع همراه نبوده و جنبه اماریت داشته باشد افاده ظن می‌کند و ظن به خودی خود حجیت ندارد و برای حجیت آن دلیل قطعی لازم است. در مرحله بعد از پذیرش حجیت خبر واحد، پیرامون تعیین قلمرو حجیت آن بحث شده است (محققان، ۱۳۸۸: ۳۹۷). اکثر دانشمندان شیعه خبر واحد را از باب ظن خاص حجت می‌دانند و برای حجیت آن دلیل قطعی قائل هستند. در ادامه به بررسی دیدگاه‌ها درباره حجیت خبر واحد می‌پردازیم.

۲. دیدگاه‌ها درباره حجیت خبر واحد

بحث حجیت و عدم حجیت روایات غیر فقهی از جمله روایات تفسیری، عمدتاً در آثار دانشمندان شیعه مطرح شده است و علما و دانشمندان اهل سنت کمتر به این بحث متعرض شده‌اند، چراکه آنان از این جهت تفاوتی میان روایات قائل نشده و نوعاً به خبر واحد که در اصطلاح صحیح نامیده می‌شود، مطلقاً عمل می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۷). در میان دانشمندان شیعه نیز، در حجیت خبر واحد، بین اصولی‌ها اختلاف است. برخی برای خبر واحد هیچ‌گونه حجیتی قائل نیستند، اما مشهور علمای شیعه، به‌طور مطلق خبر واحد را حجت می‌دانند (طباطبایی مجاهد، ۱۲۹۶: ۳۳۱) و تعدادی نیز در این زمینه تفصیل قائل شده‌اند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۱- دیدگاه عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق

به گروهی از دانشمندان مانند شیخ مفید، سید مرتضی، ابن ادریس، قاضی ابن براج، شیخ طوسی و طبرسی نظریه عدم حجیت خبر واحد به‌طور مطلق (چه در فقه و چه غیر آن) نسبت داده شده است (کلانتری، ۱۳۸۴: ۱۷). این دسته از علما معتقدند؛ خبر واحد بدون قرینه مطلقاً حجیت ندارند و برای اثبات مدعای خود به آیات، روایات و اجماع تمسک کرده‌اند (طباطبایی مجاهد، ۱۲۹۶: ۳۳۱). به نظر می‌رسد که مقصود این بزرگواران اخبار غیر معتبر است در حالیکه اخبار آحاد معتبر همواره مورد قبول بزرگان امامیه بوده است (امامی، ۱۳۹۸: ۲۷۶-۲۵۱). دلایل قائلین به عدم حجیت خبر

واحد شامل موارد زیر است:

۲-۱-۱. دلیل قرآنی

بر طبق استدلال آیت‌الله خویی، آیاتی در قرآن، پیروی از غیر علم و یقین را نهی می‌کند، پس خبر واحدی که افاده علم نکند، محل نزاع است. آیاتی همچون: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء/۳۶): چیزی را که علم نسبت به آن ندارید پیروی نکنید. آیه‌ی: ﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَسْعَوْنَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً﴾ (نجم/۲۸): آن‌ها هرگز به این سخن یقین ندارند تنها از ظن و گمان بی‌پایه پیروی می‌کنند، با این که گمان هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند.

۲-۱-۲. دلیل روایی

در روایات متعدد از معصومان (علیهم‌السلام) آمده است که؛ روایاتی که علم به صدور آن از ما ندارید، کالعدم فرض کنید و یا روایاتی که احادیث غیر موافق با کتاب خدا را باید رد کنید (حر عاملی، بی‌تا: ۲۷/۳۳-۳۱).

۲-۱-۳. اجماع

برخی از علما معتقدند که بر عدم حجیت خبر واحد اجماع وجود دارد. از جمله سید مرتضی فرموده‌اند: «از نظر منطوق شیعه عمل به خبر واحد مانند عمل به قیاس است یعنی همان‌طور که شیعه از قیاس تبری می‌جوید از خبر واحد هم تبری و بیزار می‌جوید و این تبری از قیاس، جزء شعار شیعه است.» (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۵: ۲۵۶-۲۵۴/۴)

۲-۲. دیدگاه حجیت خبر واحد به‌طور مطلق

قائلین حجیت خبر واحد بر نظریه خود بر آیات و روایات استدلال کرده‌اند:

۲-۱-۲. دلیل قرآنی

از جمله ادله قرآنی این گروه، آیه‌ی نبأ، آیه‌ی نفر، آیه‌ی کتمان و آیه‌ی سؤال است.

آیه نبأ

آیه‌ای که معروف به نبأ است، در سوره‌ی حجرات مطرح شده است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَدِئًا فَبُئِنُوا أَنْ تَصِيُوا قَوْمًا بَعْجَالًا فَنُصِخُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْنَا مِمَّنْ﴾ (حجرات/۷): ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

آیه شریفه به سبب مفهوم شرط دلالت دارد که در انتفاء شرط (آورنده خبر، فاسق نباشد) وجوب تبیین منتفی است و بنابراین خبر عادل حجت است.

آیه نفر

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (توبه/۱۲۲)؛ پس چرا از هر فرقه‌ای، گروهی کوچ نکنند که در مسائل دینی تحقیق کنند و وقتی که به سوی قوم خود برگشتند آن‌ها را انذار کنند تا شاید بترسند. آیه شریفه بر تحذر (یعنی دوری کردن از چیز بيمناک) به هنگام انذار، دلالت دارد. وجوب نفر برای حصول تفقه، وجوب تفقه برای انذار و وجوب انذار برای حذر است و وجوب حذر دلالت بر حجیت قول منذر دارد (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲/ ۳۸۹-۳۸۸).

آیه کتمان

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (بقره/۱۵۹)؛ کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان کردیم کتمان می‌کنند، خدا و تمام جنّ و انس و ملک نیز آنها را لعن می‌نمایند.

«در آیه شریفه کتمان بینات و هدی، حرام و اظهار آنها واجب شده است و تحریم کتمان بدون ایجاب قبول لغو است و چون تحریم کتمان مطلق است و دربردارنده صورتی است که اظهار مفید علم نباشد، پس وجوب قبول نیز مطلق است و شامل امثال خبر واحد نیز می‌شود که مفید علم نیست.» (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۰۶)

آیه سؤال

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳)؛ و ما، پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را که به آنها، وحی می‌کردیم و اگر نمی‌دانید از اهل اطلاع بپرسید.

«در آیه شریفه، سؤال از اهل ذکر واجب و به تبع آن قبول نیز واجب شده است و چون وجوب سؤال اطلاق دارد، پس وجوب قبول نیز مطلق است و گرنه ایجاب سؤال بدون ایجاب قبول - در صورتی که جواب مفید علم نباشد - لغو است.» (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۰۶)

۲-۲-۲. استدلال به سنت

برای استدلال به سنت در اثبات حجیت خبر واحد، ناچار باید سنت با احراز وجدانی ثابت شود تا دور لازم نیاید. دو وسیله برای احراز وجدانی شامل تواتر اجمالی ۱ روایات دال بر حجیت خبر واحد و دیگری سیره متشرعه یا عقلاست (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۰۸).

آیت‌الله خویی، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله معرفت، از جمله کسانی هستند که ادله

سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۱
بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱. حجیت خبر واحد را نمی‌توان به سبب تواتر لفظی یا معنوی ثابت کرد، اما حجیت آن را می‌توان از لسان روایات بسیاری به دست آورد که در عین اختلاف مضامین آنها، همه در افاده این معنا مشترکند و بدین ترتیب تواتر اجمالی پدید می‌آید. (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۱۵)

حجیت خبر واحد را اعم از حوزه فقه دانسته‌اند و آن را در سایر حوزه‌های علوم دینی و از جمله تفسیر پذیرفته‌اند (خویی، ۱۴۱۳: ۳۹۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۳: ۱۷۳؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۲۳/۲). آیت‌الله خویی، از جمله کسانی است که حجیت خبر واحد را، در باب تفسیر پذیرفته و بر شمول حجیت آن تأکید کرده است و بسیاری از دانشمندان به نظر ایشان در این موضوع استناد کرده‌اند. ایشان می‌فرماید: «بدون شبهه، خبر واحد موثق که شرایط حجیت و اعتبار را داراست، در تفسیر قرآن نیز حجیت دارد و می‌توان قرآن را با این گونه اخبار و روایات تفسیر کرد.» (خویی، ۱۴۱۳: ۳۹۸؛ همان، بی‌تا: ۱۰۶/۲) استدلال آیت‌الله خویی بر این اساس است که: «حجیت تعبدی» در نظر ایشان مانند سایر مفسران «تعبد به عمل» نبوده، بلکه «علم تعبدی» است؛ بنابراین اماره‌ی ظنی و دلیل ظنی مانند خبر واحد، در عین حال که کاشف قطعی از واقع نیست، دارای حجیت بوده و کاشف است و مانند دلایل قطعی اعتبار دارد. همچنین ایشان حجیت خبر واحد ثقه را مستند به سیره و بناء عقلا می‌داند که عقلاً خبر واحد ثقه را، اطمینان‌بخش و دلیل علمی و یقین‌آور می‌دانند و در تمامی موارد به آن ترتیب اثر می‌دهند؛ مگر آنکه خللی در آن خبر آشکار باشد (خویی، ۱۴۱۳: ۴۲۳-۴۲۲).

عمده استدلال مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر این است که به عقیده ایشان اعتبار و حجیت خبر واحد و یا دلایل ظنی دیگر منوط به عدم اطلاع از واقعیت است. بنابراین؛ پیروی از روایت ظنی وقتی صحیح است که مفهوم و مدلول آن حکم شرعی بوده و یا بر موضوعی با اثر شرعی دلالت کند. از آنجاکه روایات تفسیری غالباً مربوط به غیر احکام شرعی است، پس دلایل حجیت و اعتبار خبر واحد نمی‌تواند شامل اخبار تفسیری مربوط به قصص و سرگذشت اقوام گذشته و یا در تفسیر آیات اصول و عقاید و امثال باشد. آیت‌الله خویی، این اشکال را سست و مخالف تحقیق دانسته و معتقد است که طبق مباحث علم اصول معنای اعتبار امارات ظنی این است که این امارات شرعاً و طبق نظر شارع به‌جای دلایل علمی و یقین‌آور به کار می‌روند و ظن و احتمال واقع‌جانشین قطع و یقین می‌شود؛ بنابراین علایم و دلایل ظنی و از جمله خبر واحد در تمام مواردی که از دلایل علمی پیروی می‌شود، شرعاً معتبر و قابل تبعیت می‌باشند. با این بیان خبر واحد معتبر بوده و شرعاً در تمام موارد به جای دلیل علمی قابل استفاده بوده و از افراد آن است، منتهی یک فرد تعبدی است و نه وجدانی. دلیل بر این استدلال، روش جاری و دائمی عقلا و خردمندان است، چون عقلا همیشه از علایم و دلایل ظنی معتبر «امارات» پیروی می‌کنند، همان طور که از دلایل علمی و یقین‌آور پیروی می‌شود و در ترتیب اثر دادن به دلایل معتبر، فرقی میان دلایل علمی و ظنی قائل نمی‌شوند. در نظر ایشان خبر واحد و طرق ظنی دیگر، باید تمام شرایط

حجیت را دارا باشد و مثلاً از دروغ قطعی خالی باشد، خبری که به طور قطع دروغ است، نمی تواند مشمول دلایل حجیت خبر واحد قرار گیرد (خویی، ۱۳: ۱۴۱۳؛ همان، بی تا: ۱۸۱/۲-۱۸۰).

آیت الله فاضل لنکرانی نیز بین حجیت و اعتبار خبر واحد در احکام عملی و تفسیر آیات مرتبط با غیر احکام عملی تفاوتی قائل نشده اند و با استناد به بناء عقلا (به عنوان مهم ترین مستند حجیت خبر واحد) و یا ادله شرعی تعبیدی یعنی آیات و روایات، خبر واحد را در تفسیر حجت می داند. ایشان می فرماید: «در هر صورت ملاک و مستند حجیت هر کدام از بناء عقلا و یا ادله شرعیه تعبیدیه باشد، راهی جز پذیرش حجیت خبر واحد به طور مطلق که شامل تفسیر هم بشود وجود ندارد. باید پذیرفت که روایات در باب تفسیر به طور مطلق یعنی بدون توجه به اینکه مربوط به آیات الاحکام باشند و یا غیر احکام از اعتبار و حجیت برخوردارند.» (فاضل لنکرانی، ۱۳: ۱۴۱۳-۱۷۵-۱۷۴)

۲-۳. دیدگاه انحصار حجیت خبر واحد به احکام عملی

نخستین بار علامه طباطبایی در حجیت خبر واحد بین روایات فقهی و غیر فقهی تفصیل قائل شده و بر عدم حجیت خبر واحد در غیر احکام شرعی فرعی تصریح نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰/۳۵۱، همان: ۱۴/۲۰۶). طبق نظر ایشان «حدیثی که بدون واسطه از زبان خود پیغمبر اکرم (ﷺ) یا ائمه اهل بیت (علیهم السلام) شنیده شود، حکم قرآن کریم را دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۲۷۸)

در مورد احادیثی که با واسطه به دست ما می رسد، در معارف اعتقادی علم و قطع لازم بوده و به خبر متواتر یا خبر با شواهد قطعی عمل می شود اما خبر واحد در این مورد اعتبار ندارد. در استنباط احکام شرعی علاوه بر خبر متواتر و قطعی، به خبر واحد نیز که نوعاً مورد وثوق باشد عمل می شود. «پس خبر متواتر و قطعی پیش شیعه مطلقاً حجت و لازم الاتباع است و خبر غیر قطعی (خبر واحد) به شرط این که مورد وثوق نوعی باشد، تنها در احکام شرعیه حجت می باشد.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۷) ایشان با استناد به اعتبار عقلایی و وجود اثر شرعی به عنوان اساس حجیت شرعی خبر واحد، آن را در جایی که قابل جعل و اعتبار شرعی می باشد معتبر می داند، اما در قضایای تاریخی و امور اعتقادی که فاقد اثر شرعی بوده و حصول علم و اطمینان قطعی لازم است، خبر واحد فاقد حجیت شرعی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/۵۹؛ همان: ۳۵۱).

۳. دیدگاه آیت الله جوادی در حجیت خبر واحد

در دیدگاه آیت الله جوادی آملی، قرآن دارای حجیت استقلالی - و نه انحصاری - است و بدون مراجعه به سنت باید به عنوان میزان سنجش قرار گیرد، اما سنت به دو قسم قطعی

و غیرقطعی تقسیم می‌شود. اگرچه سنت قطعی را به‌عنوان منبعی جداگانه قابل قبول است اما سنت غیرقطعی را نیازمند به عرضه بر قرآن می‌داند تا در صورت عدم مخالفت با قرآن به عنوان حجت مستقلی در کنار قرآن واقع شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۳۹). در دیدگاه ایشان روایات را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۳-۱. خبر متواتر یا خبر واحد محفوظ به قرینه قطعی

روایاتی که در ارکان سه‌گانه «اصل صدور»، «جهت صدور» و «دلالت بر محتوا»، دارای جزم و یقین هستند؛ این روایات دارای سند قطعی و در مقام بیان معارف واقعی بوده و از روی تقیه صادر نشده است و در دلالت نیز نص هستند. این‌گونه روایات که اندک هستند برائثر یقین‌آور بودن آن، در معارف دین راهگشا و حجت بوده و در اثبات مسائل اصولی مورد استفاده قرار می‌گیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۵۷، همان، ۱۳۸۹: ۹۸ و ۱۵۴).

۳-۲. خبر واحد فاقد یقین

روایات و ادله نقلی که در ارکان سه‌گانه فوق، فاقد یقین هستند، بنابراین تنها مفید ظن و گمان بوده و یقین‌آور نیستند. این‌گونه روایات ناظر به سه بخش است: الف) معارف اصول دین مانند: اصل توحید، نبوت و معاد و اصل وجود بهشت و جهنم؛ در این‌گونه معارف که از اصول دین است و اعتقاد به آن ضروری است و یقین و جزم در آن معتبر است، با ادله نقلی ظنی نمی‌توان به یقین دست یافت و از این رو این‌گونه از ادله نقلی در این بخش حجت نیست.

ب) معارفی که جزو اصول دین نیست، مانند: حقیقت عرش، کرسی، لوح، قلم و فرشته؛ اعتقاد تفصیلی به این معارف، ضروری نبوده و ایمان اجمالی به آنها کافی است و می‌توان با ایمان اجمالی، مفاد روایت ظنی را در حد احتمال پذیرفت.

ج) معارفی که بیانگر مسائل علمی و آیات الهی در خلقت است، مانند: چگونگی آفرینش آسمان‌ها و زمین؛ اخبار و روایات این معارف ثمره عملی ندارد و جزم علمی در آنها معتبر نیست. بنابراین روایات غیرقطعی در حد احتمال قابل پذیرش است، ولی حجت تعبدی نیست؛ زیرا ادله حجیت خبر واحد راجع به مسائل عملی و تعبدی است و در مسائل علمی نمی‌توان کسی را بدون حصول مبادی تصدیقی متعبد به علم کرد. بنابراین، در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی اثبات مسائل اعتقادی و معارف دینی نیاز به اقامه برهان عقلی قاطع و یا نصی از قرآن کریم است و از روایات نیز می‌توان بر خبر متواتر یا خبر واحد محفوظ و توأم با قرینه علم‌آور استناد کرد و در این موارد ظن و گمان حجت نیست؛ بنابراین اگرچه که در میان اخبار آحاد، روایات صحیح و معتبری وجود دارد و ادعای ناتمامی و ضعف همه آنها پذیرفته نیست؛ لیکن در معارف اعتقادی

چه در زمینه اثبات و چه در زمینه نفی نمی‌توان به خبر واحد (که بر فرض اعتبار و صحت سند آن، اماراهای ظنی است) استناد کرد. طبق نظر ایشان، هرچند در فروع فقهی، می‌توان بر اساس خبر واحدی که سند آن معتبر و دلالتش تمام است، فتوا داد؛ اما در مسائل اعتقادی، نمی‌توان تعبدی عمل کرد و نیاز به علم یا طمأنینه است که امری قلبی و خارج از اختیار انسان و تابع مبادی (تصوری و تصدیقی) خود است و از آنجا که خبر واحد معتبر نیز قادر به رفع شک و تردید از قلب انسان نیست نمی‌توان به آن استناد جست. البته در این مسائل گمان حاصل می‌شود که در حد اسناد ظنی میتوان به معصوم نسبت داد ولی اگر دلیل قطعی معتبر عقلی تجربیدی یا حسّی تجربی برخلاف، اقامه شود بر خبر واحد مقدم می‌شود و اگر دلیل ظنی معتبری که که گمان قوی‌تری نسبت به خبر واحد به دست بدهد به طوری که دلیل عقلی یا حسّی، مفید طمأنینه باشد باز بر دلیل نقلی مقدم است و در موارد همسانی هر دو گمان شک جایگزین آن می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷/ ۵۶-۵۵).

ایشان در بیان تفاوت بین مسائل فقهی و تفسیر می‌فرماید: «فقه از امور عملی و تعبدی است و تفسیر از امور علمی و تفاوت این دو، آن است که در مسائل عملی امکان تعبد به «ظن» وجود دارد، در حالی که در مسائل علمی تعبد به «ظن» ممکن نیست». با این بیان معلوم می‌شود که از نظر معظم له، خبر واحد افاده ظن می‌کند و تعبد به ظن تنها در عمل ممکن است. مثلاً می‌توان به مکلف گفت که در صورت شک بین سه و چهار در نماز چهار رکعتی بنا را بر چهار بگذار، در این حالت شک مکلف وجدانا باقی است، ولی عملاً می‌تواند بنا را بر چهار بگذارد؛ اما در مسایل علمی باور مطرح است و امکان تعبد نیست؛ اگر مبادی فهم و باور نسبت به مطلب معین حاصل شد، انسان آن را می‌فهمد، پس خبر واحد در مسائل عملی معتبر است و در امور علمی حجت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۷، همان، ۱۳۸۸: ۹/ ۳۵۳).

این گزاره اصولی «در واقع ارشاد به نفی موضوع است؛ بدین معنا که در امور اعتقادی با خبر واحد علم حاصل نمی‌شود، نه این که علم حاصل می‌شود، ولی حجت نیست. اصلاً از خبر غیر قطعی ساخته نیست که در اندیشه انسان اثر یقینی بگذارد، مگر آن که متن آن برهانی باشد یا سند آن قطعی یا محفوف به قراین قطعی باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۷) برای فهم بهتر این موضوع ایشان حروف مقطعه را به عنوان مثال بیان می‌کند که روایات مربوط به تفسیر این حروف باید همانند روایات فقهی اعتبار داشته باشد و صحیحه، موثقه یا حسنه باشد. زیرا تفسیر این حروف از مسایل علمی و اعتقادی است و حتی با تنزل و قرار دادن آن در رده مسائل عملی و تعبدی نیز رعایت شرایط اعتبار روایات فقهی لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۲۶).

۴. دیدگاه آیت‌الله معرفت در حجیت خبر واحد

آیت‌الله معرفت، حجیت خبر واحد را به صورت مطلق می‌پذیرد و معتقد است که: «تمامی احکام و سنن شریعت را که تفصیل مجملات قرآن است و تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع الشرائط به دست رسیده است، می‌پذیریم و معتبر می‌دانیم؛ مگر خبری که خللی از لحاظ ضعف سند یا سستی محتوا در آن مشهود باشد، در این صورت اعتبار ندارد.» (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۲۳) در دیدگاه ایشان ارزش خبر واحد در تفسیر و تاریخ، بدون توجه به سند آن و تنها با در نظر گرفتن متن تعیین می‌شود، یعنی اگر خبر واحد بتواند ابهام یک موضوع را برطرف کند مورد پذیرش بوده و همین ویژگی، گواه صدق و درستی آن است (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۲۵)؛ بنابراین مشخص می‌شود که آیت‌الله معرفت، در استدلال به حجیت اخبار آحاد تفسیری و فقهی، تفاوت قائل شده و معتقد است که در باب احادیث فقهی و استنباط احکام و تکالیف که به عمل مکلفین برمی‌گردد، احراز اطمینان و حجیت تابع شرایط و ویژگی‌های خاصی است و با دستیابی به آن شرایط، اطمینان و آگاهی ایجاد شده، تعبداً حجت بوده و معتبر است؛ اما در تفسیر اصلاً جای تعبد نیست، زیرا تفسیر از باب معرفت و عقیده بوده و منوط به آگاهی است و تعبد در آن جایگاهی ندارد. پس در مورد احادیث تفسیری باید به محتوا و متن آن توجه کرد، در صورتی که متن حدیث قادر به حل مشکل و رفع ابهام بوده و آگاهی و معرفت ما را افزایش دهد بدون توجه به وضعیت سند آن را می‌پذیریم و برعکس، اگر محتوا و متن حدیث، موجب آگاهی و رفع ابهام و کشف القناع نباشد، آن حدیث حتی با سند معتبر در باب تفسیر اعتبار ندارد (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۳۳-۳۱).

در مجموع در دیدگاه آیت‌الله معرفت، شرایط پذیرفتن خبر واحد، همراه داشتن قراین صحیح (مثل وجود در کتب معتبر)، شهرت راوی به صداقت و امانت (و یا مشهور نبودن به دروغ و خیانت)، سلامت و استحکام متن خبر، ایجاد علم و یا زایل شدن شک و تردید، عدم تعارض با عقل و نقل قطعی در دین و شریعت می‌باشد. این شروط باعث می‌شود که خبر - هر چند از نظر سند مرسل باشد - موجب اطمینان شده و بتوان بر آن خبر اعتماد کرد (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۲۶).

آیت‌الله معرفت پس از بیان دیدگاه مخالفان حجیت خبر واحد، استدلال ایشان را بیان و سپس نظر خود را در مورد آن بیان می‌کند. به این گونه که اساس استدلال عدم حجیت خبر واحد در نظر مخالفان، جعل شرعی و حجت تعبدی برای خبر واحد است. معنای حجت تعبدی ترتیب اثر واقع بر حجت ظاهری است و این امر اختصاص به تکالیف و احکام دارد و در باب تفسیر و مانند آن از وجدانیات و معتقدات موضوعیت ندارد (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۹، همان ۱۴۲۳: ۷۶).

آقای معرفت معتقد است که در اعتبار خبر واحد ثقه، جنبه تعبدی راه ندارد، بلکه خبر واحد در نظر عقلا، دارای کاشفیت ذاتی است که شرع نیز آن را پذیرفته است. توضیح اینکه؛ بنای انسان‌ها بر آن است که بر اخبار کسی که مورد ثقه است، ترتیب اثر می‌دهند و همچون واقع معلوم با آن رفتار می‌کنند؛ این نه قراردادی است و نه تعبد محض، بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد. شارع مقدس - که خود سرآمد عقلا است- بر همین شیوه رفتار کرده و آن را تأیید کرده است و تنها در مواردی که خبر آورنده، انسان فاقد تعهد باشد که قابل اطمینان نیست، بدون تحقیق نباید به گفته او ترتیب اثر داده شود: ﴿إِنْ جَاءَكَ فَاسِقٌ بِنُكْحَانِي﴾ (حجرات/ ۶۷)

لذا اعتبار خبر واحد ثقه، نه مخصوص فقه و احکام شرعی است و نه جنبه تعبدی دارد؛ بلکه اعتبار آن عام و در تمامی مواردی است که عقلا از جمله شرع (شارع)، کاربرد آن را پذیرفته‌اند. از این رو، اخبار عدل ثقه از بیان معصوم، چه پیرامون تفسیر قرآن و چه دیگر موارد، از اعتبار عقلایی مورد پذیرش شرع برخوردار است و کاشف و بیانگر بیان معصوم می‌باشد و حجیت دارد و همانند آن است که شخصاً و مستقیماً معصوم تلقی شده باشد (معرفت، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۲).

نتیجه

در این نوشتار، به بررسی تطبیقی حجیت خبر واحد در تفسیر، از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت پرداخته شد. در این بررسی مشخص شد که هر دو -معظم له- حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند؛ با این تفاوت که آیت‌الله جوادی آملی با تقسیم معارف دین به احکام عملی و معارف اعتقادی، خبر واحد ثقه را در احکام عملی حجت می‌داند. در معارف اعتقادی که جزو اصول دین نیست و ایمان اجمالی به آن‌ها کافی است اخبار آحاد در حد احتمال مورد پذیرش هستند اما در اصول دین و آیات محتوی مسائل علمی و آیات خلقت نمی‌توان به حجیت خبر واحد استناد کرد. در مقابل، آیت‌الله معرفت حجیت خبر واحد ثقه را به‌طور مطلق پذیرفته و آن را در همه حوزه‌های دین از جمله تفسیر حجت می‌داند.

علت اختلاف آرای این دو اندیشمند مربوط به دیدگاه اصولی و نحوه استدلال آن‌ها بر حجیت خبر واحد است. در نظر آیت‌الله جوادی آملی، خبر واحد دارای حجیت تعبدی است و در مسائل اعتقادی که نیاز به علم و اطمینان است، نمی‌توان به تعبد عمل کرد؛ اما آیت‌الله معرفت به سیره عقلا استناد کرده‌است که خبر واحد در نظر عقلا دارای کاشفیت ذاتی است و در همه آموزه‌ها اعم از فقه و تکلیف و یا آموزه‌های معرفتی جاری است. بر این اساس به نظر می‌رسد که بتوان به نظر تلفیقی بین دیدگاه دو

اندیشمند دست‌یافت؛ بدین گونه که طبق نظر آیت‌الله معرفت، در بررسی خبر واحد ثقه در تفسیر، در جایی که راوی فاسق نباشد - با تکیه بر سیره عقلا که شرع نیز آن را رد نکرده است - به بررسی متن و رفع ابهام در تفسیر آیات اهتمام شود. همچنین طبق نظر آیت‌الله جوادی آملی، در مسائل اعتقادی ظن حاصل از خبر واحد در جایی که دلیل معتبر قوی‌تری بر علیه آن اقامه نشده باشد، مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به حجم بالای اخبار آحاد، با استفاده بیشتر از بیانات معصومان (علیهم‌السلام) در تفسیر آیات قرآنی می‌توان از معارف این کتاب آسمانی در سطح عالی‌تر بهره‌مند شد.

منابع

قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق): «کفایة الأصول (طبع آل البيت)»، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۰۵ق): «لسان العرب»، قم: نشر ادب الحوزه.
۳. اسلامی، رضا (۱۳۸۷ش): «قواعد کلی استنباط (ترجمه و شرح دروس فی علم الأصول)»، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم.
۴. اصغری، عبد الله (۱۳۸۶ش): «شرح فارسی بر اصول الفقه مظفر»، قم: بی نا، چاپ دوم.
۵. امامی محمد، احمدی فر مصطفی، عباسی فریدون (۱۳۹۸ش): «رهیافتی نو بر حجیت خبر واحد در تفسیر (با تکیه بر دیدگاه شیخ طوسی)»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۹، ص ۲۷۶-۲۵۱.
۶. بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۹ش): «روش شناسی تفسیر قرآن»، تهران: سمت.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش): «تسنیم، ج ۱»، قم: اسراء، چاپ هشتم.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش): «تسنیم، ج ۲»، قم: اسراء، چاپ ششم.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش): «تسنیم، ج ۷ و ۹ و ۱۰»، قم: اسراء، چاپ چهارم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش): «رحیق مختوم»، قم: اسراء، چاپ سوم.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش): «نزاهت قرآن از تحریف»، قم: اسراء، چاپ چهارم.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا): «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۶ق): «مبایذ الوصول الی علم الاصول»، بی جا: دار الأضواء.
۱۴. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۸ش): «اجود التقريرات، تقریر بحث محمدحسین غروی نایینی»، قم: مصطفوی، چاپ دوم.
۱۵. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق): «البیان فی تفسیر القرآن»، قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخوئی.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا): «مصباح الاصول»، تحقیق سید محمد سرور واعظ حسینی، قم: مکتبه الداوری.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۲۷ق): «مفردات الفاظ القرآن»، تحقیق صفوان عدنان داودی، قم: طلحه النور، چاپ دوم.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۸ق): «أصول الحديث و أحكامه فی علم الدرايه»، قم: مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام).
۱۹. شاهرودی، محمدرضا، میرغفوریان، نجمه سادات، خوش فر، محسن (۱۳۹۸ش): «ارزیابی تطبیقی جایگاه و کارکرد خبر واحد تفسیری در مبانی آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، سال ششم، ش ۱۱، صفحات ۸۴-۶۷.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸ش): «قرآن در اسلام»، قم: بوستان کتاب قم.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

۲۲. طباطبایی مجاهد، محمد بن علی (۱۲۹۶ق): «مفاتیح الاصول»، قم: مؤسسه ال البيت، چاپ اول.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵ش): «تفسیر جوامع الجامع»، ترجمه علی عبدالحمیدی و دیگران، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرین»، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۳ق): «مدخل التفسیر»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ سوم.
۲۶. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۵ش): «ایضاح الکفایة»، قم: نوح، چاپ پنجم.
۲۷. کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۴ش): «نقش دانش رجال در تفسیر و علوم قرآنی»، قم: بوستان کتاب قم.
۲۸. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح (بی تا): «شرح معالم الأصول»، قم: مولف.
۲۹. محققان (۱۳۸۸ش): «فرهنگ نامه اصول فقه»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹ش): «تفسیر و مفسران»، ترجمه علی خیاط و علی نصیری، قم: التمهید.
۳۱. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰ش): «کاربرد حدیث در تفسیر»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال اول، شماره اول، ص ۱۴۶-۱۲۴.

Resources

The Holy Quran

1. Akhund Khorasani, Mohammad Kazem bin Hussein (1409 AH): "Kefayah Al-osal, Qom: Al-Bayt Institute, first edition.
2. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1405 AH): "Lisan Al- Arab", Qom: Publication of seminary literature.
3. Islami, Reza (1387SH): "General rules of inference (translation and explanation of lessons in the science of principles)", Qom: Book Garden Institute, fifth edition.
4. Asghari, Abdullah (1386SH): "Persian explanation of the principles of jurisprudence Muzaffar", Qom: Asghari, second edition.
5. Emami Mohammad, Ahmadifar Mostafa, Abbasi Fereydoun (1398SH): "A new approach to the authority of a "Khbar Wahed" in interpretation (based on the view of Sheikh Tusi", Quranic teachings, Razavi University of Islamic Sciences, No. 29, pp. 276-251 .
6. Babaei, Ali Akbar and others (1379SH): "Methodology of Quranic Interpretation", Tehran: Samat.
7. Javadi Amoli, Abdullah (1388Sh): "Tasnim, vol. 1", Qom: Esra ' , eighth edition.
8. Javadi Amoli, Abdullah (1389SH): "Tasnim, vol. 2", Qom: Esra ' , sixth edition.
9. Javadi Amoli, Abdullah (1388SH): "Tasnim, vols. 7, 9 and 10", Qom: Esra ' , fourth edition.
10. Javadi Amoli, Abdullah (1386SH): "Rahiq Makhtum", Qom: Esra ' , third edition.
11. Javadi Amoli, Abdullah (1389SH): "The Discipline of the Qur'an from Distortion", Qom: Esra ' , fourth edition.
12. Hore Ameli, Muhammad ibn Hassan (no date): " Wasael Al-shiia", Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
13. Heli, Hassan Ibn Yusuf (1406 AH): "Mabadi Al-wosol ela Elm Al-osal" (no place) dar Al-azwae.
14. Khoei, Seyyed Abolghasem (1368 AH): "Ajwad Al-taqirirat, Discourse of Mohammad Hussein Gharavi Naeni", Qom: Mostafavi, second edition.
15. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1413 AH): "Al-bayan fi Tafsir Al- Qur'an", Qom: Foundation for the Revival of the Works of Imam al-Khoei.
16. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (no date): "Mesbah al-Osul", research by Sayyid

- Muhammad Sarwar Wa'iz Husseini, Qom: Maktaba al-Dawari.
17. Ragheb Isfahani, Abu al-Qasim Hussein ibn Muhammad (1427 AH): "The contents of the words of the Qur'an", research by Safwan Adnan Davoodi, Qom: Talieh al-Noor, second edition.
 18. Sobhani Tabrizi, Ja'far (1428 AH): "The principles of hadith and rulings in the science of Al-derayeh", Qom: Imam Sadiq Foundation (AS).
 19. Shahroudi, Mohammad Reza, Mirghfourian, Najmeh Sadat, Khoshfar, Mohsen (1398SH): "Comparative evaluation of the position and function of news interpretive unit in the principles of Ayatollah Fazel Lankarani and Ayatollah Javadi Amoli", Bi-Quarterly Journal of Research in Hadith Sciences Year 6, pp. 84, pp. 84-67.
 20. Tabatabai, Mohammad Hossein (1388SH): "Quran in Islam", Qom: Qom Book Garden.
 21. Tabatabai, Mohammad Hussein (1390 AH): "Balance in the interpretation of the Qur'an", Beirut: Scientific Foundation for Publications, second edition.
 22. Tabatabai Mujahid, Muhammad ibn Ali (1296 AH): "Mafatih al-Osul", Qom: Al-Bayt Foundation, first edition.
 23. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1375 SH): "Interpretation of Jawameo Al-jamee", translated by Ali Abdul Hamidi and others, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, first edition.
 24. Torihi, Fakhreddin Ibn Mohammad (1375 SH): "Majmaa Al-Bahrain", Tehran: Mortazaviyeh School, third edition.
 25. Fadhil Lankarani, Muhammad (1413 AH): "Introduction to Interpretation", Qom: Maktab al-A'lam al-Islami, third edition.
 26. Fazel Movahedi Lankarani, Mohammad (1385 AH): "Explanation of Sufficiency", Qom: Noah, fifth edition.
 27. Kalantari, Ali Akbar (1384SH): "The Role of (Danesh ReJal) in Quranic Interpretation and Sciences", Qom: Qom Book Garden.
 28. Mazandarani, Mohammad Hadi bin Mohammad Saleh (no date): "Explanation of Maalem Al-osal", Qom: author.
 29. Researchers (1388SH): "Dictionary of Principles of Jurisprudence", Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, Research Deputy, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
 30. Maarefat, Mohammad Hadi (1379SH): "Tafsir and Mofsaran", translated by Ali Khayyat and Ali Nasiri, Qom: Al-Tamheed.
 31. Maarefat, Mohammad Hadi (1380SH): "Application of Hadith in Interpretation", Specialized Journal of Razavi University of Islamic Sciences, First Year, First Issue, pp. 146-124.